

Investigating the Role of Social Capital in Social Development

(Case Study of Hormozgan Province)

Mohammad Ashine¹

Soroush Fathi (Ph. D.)²

Tahmoures Shiri (Ph. D.)³

Hedayatollah Nikkhah (Ph. D.)⁴

Abstract

The purpose of this study is to investigate the relationship between the role of social capital in social development of Hormozgan province. In order to achieve the objectives of the research, the method of secondary analysis has been used and data related to social capital and social development have been collected by referring to land use planning data and statistical yearbook. To determine the social capital indicators, four indicators educational per capita, cultural per capita, health per capita and sports per capita were selected based on the data of the management organization. Also, social capital was used at three levels: micro, medium and macro, based on the land use planning. The sample size was done using the census method and all 13 cities of the province were selected. Finally, data analysis was performed using SPSS software and descriptive statistics such as mean, standard deviation, variance and inferential tests such as Pearson. The average obtained from descriptive statistics shows that the average of social capital (2.74) and social development (375.25) are in the middle and low levels, respectively. . Also, according to the findings, social development in Parsian was at a high level and the lowest level of social development was related to Sirik city. The results of inferential testing showed that there is an inverse relationship between the two variables of social capital and social development; this is due to the existence of strong intra-group ties between the citizens of Hormozgan. According to Granovetter theory, strong intra-group bonds limit relationships and, consequently, lack of social development.

Keywords: *Social Capital, Social Development, Educational and Cultural Per Capita, Educational Per Capita.*

-
1. PhD Student in Sociology, Faculty of Human Science, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran m.ashineh48@yahoo.com.
 2. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Human Science, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, fathi.soroush@gmail.com.
 3. Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran shiri.tahmuros@gmail.com.
 4. Assistant Professor of Social Sciences, Hormozgan University, hnik2000@yahoo.com.

بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی

(مطالعه موردی استان هرمزگان)

محمد آشینه*، دکتر سروش فتحی**

دکتر طهمورث شیری***، دکتر هدایت الله نیکخواه****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی رابطه نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی استان هرمزگان است. در راستای نیل به اهداف پژوهش، از روش تحلیل ثانویه استفاده شده و گردآوری داده‌های مربوط به سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی از طریق مراجعه به داده‌های آمایش سرزمین و سالنامه آماری انجام گرفته است. برای تعیین شاخص‌های سرمایه اجتماعی چهار شاخص سرانه آموزشی، سرانه فرهنگی، سرانه بهداشتی و سرانه ورزشی براساس داده‌های سازمان مدیریت انتخاب شدند. همچنین سرمایه اجتماعی در سه سطح خرد، میانی و کلان بر اساس طرح آمایش سرزمین استفاده شد. حجم نمونه با استفاده از روش تمام‌شماری انجام شد و تمام ۱۳ شهرستان استان انتخاب شدند. در نهایت، با استفاده از نرم‌افزار Spss و با به‌کارگیری آمارهای توصیفی همچون میانگین، انحراف معیار، واریانس و با استفاده از آزمون‌های استنباطی نظیر پیرسون تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت پذیرفت. میانگین به‌دست‌آمده از آمارهای توصیفی نشان می‌دهد که میانگین سرمایه اجتماعی (۲/۷۴) و توسعه اجتماعی (۳۷۵/۲۵) به ترتیب در سطح متوسط و پایین قرار دارد. همچنین طبق یافته‌ها، توسعه اجتماعی در پارسیان در سطح بالایی قرار داشت و کمترین میزان توسعه اجتماعی مربوط به شهرستان سیریک بود. نتایج آزمون استنباطی نشان داد که رابطه‌ای معکوس بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی وجود دارد؛ این

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

m.ashineh48@yahoo.com

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی،

fathi.soroush@gmail.com

تهران، ایران

*** دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

shiri.tahmuroos@gmail.com

hnik2000@yahoo.com

**** استادیار علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان

امر ناشی از وجود پیوندهای قوی درون‌گروهی بین شهروندان هرزگانی است. براساس نظریه گرانووتر، پیوندهای قوی درون‌گروهی سبب محدود شدن روابط و در نتیجه، عدم توسعه یافتگی اجتماعی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، توسعه اجتماعی، سرانه آموزشی و فرهنگی، سرانه آموزشی.

مقدمه

سرمایه اجتماعی موضوعی واحد نیست؛ بلکه انواع گوناگونی از مقوله‌هاست که دو ویژگی مشترک دارد: یکی اینکه همه آنها شامل جنبه‌ای از ساخت اجتماعی است و دیگر اینکه کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار قرار دارند، تسهیل می‌کند. سرمایه اجتماعی، نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید؛ بلکه در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد (نصراصفهانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۸). سرمایه اجتماعی معمولاً با دو مفهوم «شبکه اجتماعی» و «شعاع اعتماد» همراه است. شبکه اجتماعی عبارت است از: گروهی که براساس اعتماد متقابل به یکدیگر از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی در تبادلات خود استفاده می‌کنند. شعاع اعتماد نیز به معنای گستردگی دایره همکاری و اعتماد متقابل بین اعضای گروه است. هرچه شبکه اجتماعی و شعاع اعتماد گروه و جامعه بیشتر باشد، میزان اثرگذاری بر توسعه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود (صادق‌پور، ۱۳۹۲: ۷). بنابراین، سرمایه اجتماعی را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی و دارایی‌های غیرملموسی تعریف کرد که بیش از هر چیز در زندگی مردم مهم تلقی می‌شود؛ به‌طوری‌که بانک جهانی از سرمایه اجتماعی به عنوان «ثروت نامرئی» یاد می‌کند (فوکویاما، ۱۳۷۹؛ به نقل از خاوری، ۱۳۹۰: ۲۷۸). به عبارت بهتر، سرمایه اجتماعی در حقیقت، به آرمان‌های مشترک، وفاق و انسجام اجتماعی، اعتماد، صداقت و احترام متقابل افراد نسبت به همدیگر، رعایت ارزش‌ها و هنجارها و اصول اخلاقی و پرهیز از هرگونه تظاهر در رفتار اطلاق می‌شود (نصراصفهانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۸). اگر چه تعاریف و تفاسیر متفاوت و گاه متضادی از سرمایه اجتماعی موجود است؛ اما بحث و پژوهش در مورد آن به‌عنوان حقله مفقوده توسعه و عاملی مهم در توسعه یافتگی و رهایی از عقب‌ماندگی در سال‌های اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است. توجه جامعه‌شناسان، اقتصاددانان توسعه، جرم‌شناسان، متخصصان بهداشت و سلامت، سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان ملی و نهادهای بین‌المللی حاکی از آن مدعاست (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۴). سرمایه اجتماعی در نظام اجتماعی کنونی به‌عنوان

یکی از شاخصه‌های بنیادین رشد و توسعه هر جامعه مطرح می‌شود. این مفهوم حوزه‌های متفاوتی از جمله توسعه اجتماعی کلان‌شهرها و بهبود مدیریت و ارتقای رفاه اجتماعی را دربر می‌گیرد (عزیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۲). سرمایه اجتماعی مفهومی است که در سال‌های اخیر در همه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خودنمایی کرده است. امروزه برای جامعه‌شناسان ثابت شده است که سرمایه اجتماعی یکی از شاخص‌های توسعه و رشد در جوامع است که فرایند توسعه اجتماعی را تسهیل می‌کند (بلاکمن، ۲۰۰۵: ۴۴). بنابراین، یکی از مؤلفه‌های مهم در توسعه اجتماعی، «سرمایه اجتماعی» است.

برای مدت‌هایی مدید، نگرشی تک‌بعدی بر مطالعات توسعه حاکم بود و واژه توسعه با توسعه اقتصادی مترادف در نظر گرفته می‌شد. اما با افزایش دانش بشری، رفته‌رفته، این نگرش تک‌بعدی به حاشیه رانده شد؛ چنان‌که توسعه را پدیده‌ای دارای پیچیدگی علی دانسته‌اند که برای حصول به آن می‌بایست مجموعه‌ای از علل در کنار یکدیگر قرار گیرند. از این دیدگاه، تأکید بر متغیرهای صرفاً اقتصادی یا سیاسی و توجه صرف به یکی از ابعاد توسعه لزوماً به توسعه و افزایش توانایی نظام اجتماعی در مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی منجر نخواهد شد و حتی در مواردی، اتخاذ این نگرش تک‌بعدی می‌تواند نظام را در مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی آسیب‌پذیرتر کند. افزایش دانش بشری در زمینه ابعاد مختلف توسعه و لزوم نگرستن به آن به مثابه مجموعه‌ای علی، اندیشمندان را بر آن داشت که از توسعه اقتصادی فراتر روند و به مفاهیمی چون توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... بیندیشند و هر یک در رشته‌های تخصصی خود و از زاویه دید خود علل دخیل در توسعه جوامع را شناسایی کنند (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۲). توسعه اجتماعی اشکال متفاوتی از کنش متقابل است که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می‌دهد. به طور کلی، هدف اصلی توسعه اجتماعی بهبود وضعیت اجتماعی افراد جامعه است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۸: ۶۵). در مجموع، اگر بخواهیم نوعی دسته‌بندی از شاخص‌های به‌کارگرفته شده طی سالیان اخیر برای سنجش توسعه انسانی و اجتماعی ارائه دهیم، می‌توانیم شاخص‌های پیشنهادی را در چهار دسته طبقه‌بندی کنیم: نخستین دسته به شرایط زندگی اعم از بهداشت، تغذیه، مسکن، دسترسی به آب و تسهیلات بهداشتی و مشابه آنها اشاره دارد؛ دسته دوم، به جنبه‌های اطلاعاتی و فرهنگی، از جمله سوادآموزی، آموزش و پرورش، کتابخانه‌ها، روزنامه‌ها،

موسیقی، تئاتر و هنرهای زیبا می‌پردازد؛ سومین دسته، مربوط به مسائل اجتماعی همچون حقوق بشر، وضعیت زنان، مشارکت، برابری، امنیت فردی، کودکان کار، استعمال مواد مخدر، فساد و وضعیت محیط زیست می‌شود و دسته چهارم، شاخص‌های مربوط به ذهن و جان آدمی، مثل خوشبختی، احساس امنیت، رضایت‌مندی، آرامش، امید به زندگی و مشابه آنهاست (اکبری، ۱۳۸۰: ۳۴). همان‌طور که گفته شد، توسعه اجتماعی در پی بهبود وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه است. برای تحقق چنین بهبودی در پی تغییر در الگوهای دست و پاگیر و زاید رفتاری، شناختن و روی آوردن به یک نگرش، آرمان و اعتقاد مطلوب‌تری است که بتواند پاسخگوی مشکلات اجتماعی باشد؛ به طوری که توسعه اجتماعی در قیاس با مفاهیمی چون توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی حوزه وسیع‌تری را دربر می‌گیرد (احمدرش، ۱۳۹۷: ۱۹۵).

مفهوم توسعه از مفاهیم مهم عصر حاضر است، به طوری که کشورهای دنیا را بر اساس آن به کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته طبقه‌بندی می‌کنند (پناهی، ۱۳۹۴: ۲). افزایش شدید نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بین مناطق جغرافیایی مختلف، چالش بزرگی است که گریبان‌گیر بسیاری از کشورهاست (سینگ و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۹۶). وجود چنین نابرابری‌هایی بین مناطق و عدم توزیع متعادل منابع و سرمایه‌ها سبب ایجاد حس تبعیض و نارضایتی عموم مردم می‌شود. استان هرمزگان بعد از سیستان و بلوچستان، بیشترین جمعیت زیر خط فقر کشور را دارد. آخرین استان کشور به لحاظ توسعه راه روستایی است، در پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی در زمینه شاخص‌های بهداشتی قرار دارد و از نظر توسعه‌یافتگی فرهنگی نیز جزو استان‌های بسیار محروم کشور است؛ به طوری که این وضعیت به یک حس عمومی تبعیض و محرومیت فراینده تبدیل شده است که در صورت شدت گرفتن، حتی می‌توان گفت گونه‌ای حس استثمار استان - در راستای وظایف ملی که برای آن در نظر گرفته شده است - را نیز به وجود می‌آورد. این حس عمومی از نارضایتی مردم نسبت به توسعه‌نیافتگی و فقرشان و عدم به کارگیری جوانان و مدیران بومی شروع می‌شود و به نارضایتی مسئولان استانی در این زمینه کشیده می‌شود. این حس پیوسته با این مقایسه همراه است که استان با وجود تمام درآمدهایی که کسب می‌کند، چرا خود توسعه نیافته است و سهم استان، مردمان و نخبگانش از منابع اقتصادی استان چیست؟ پژوهش‌های گذشته نشان داده است که جوامع پیشرفته و توسعه‌یافته از سطوح بالای سرمایه اجتماعی همچون

بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی

مشارکت، اعتماد، همبستگی و ثبات برخوردارند؛ اما سرمایه اجتماعی و رابطه آن با توسعه در ایران، به طور کامل شناخته نشده است. بنابراین، در تحقیق حاضر بر آن شدیم تا به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در توسعه اجتماعی بپردازیم.

هدف پژوهش: هدف از انجام دادن پژوهش حاضر بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی بین سیزده شهرستان استان هرمزگان است.

ادبیات تحقیق

پیشینه پژوهش

نام محقق	عنوان تحقیق	خلاصه نتایج
صادق پور (۱۳۹۲)	تحقیقی با عنوان: بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران	در سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۸ بین ۲۸ استان کشور و به روش سری‌های زمانی (پانل دیتا) تحقیقی انجام داد و به این نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیر مستقل تأثیر بسزایی در رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی دارد؛ بدین معنا که هر چه سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، رشد و توسعه اقتصادی نیز بیشتر خواهد بود. بنابراین، لزوم توجه به سرمایه فرهنگی به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در توسعه اقتصادی، ضروری به نظر می‌رسد.
فیروزآبادی و جاجرمی (۱۳۸۵)	مقاله با عنوان: سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در کلان‌شهر تهران	به بررسی رابطه بین این دو متغیر پرداختند. مسئله اصلی آنها این بوده است که آیا بین سرمایه اجتماعی و عناصر تشکیل‌دهنده آن در سطح تحلیل مناطق و میزان توسعه‌یافتگی مناطق رابطه‌ای وجود دارد یا خیر. روش تحقیق آنها پیمایشی بوده و جامعه آماری جمعیت ۱۶ سال به بالای مناطق تهران بوده است. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی مناطق رابطه مثبتی با توسعه مناطق شهری در تهران دارد و مناطق توسعه‌یافته‌تر از میزان بیشتری از اعتماد عمومی، آگاهی، مشارکت رسمی و مشارکت‌های غیررسمی برخوردارند.
بوزداگ ^۱ (۲۰۱۵)	پژوهشی با عنوان: تأثیر سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی و اجتماعی	به روش کیفی و بین ۱۸ خانوار ساکن در دهکده‌های اینسو و مولاداوت انجام داد. با توجه به شرایط یکسان، از قبیل تحصیلات، هویت قومی و ویژگی‌های دموگرافیک؛ نتایج حاصل از مشاهده میدانی و مصاحبه

1. Bozdag

بوزاک بیانگر این نکته بود که در دهکده‌ای که میزان مشارکت، همکاری و به‌طور کلی، سرمایه اجتماعی در سطح بالایی قرار داشت، موقعیت آن دهکده نیز از لحاظ اجتماعی و اقتصادی نسبت به روستای دیگر، بهتر بود.		
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--	--

مبانی نظری پژوهش

سرمایه اجتماعی

انسان به‌طور ذاتی در تعامل با دیگران نیازهای خود را برطرف ساخته، گذران امور می‌کند. آثار این کنش‌های متقابل در نقش آنها تا حدی است که حذف آن، زندگی را غیرممکن می‌سازد (پناهی، ۱۳۹۴: ۳). اما در این میان، دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی کنجکاوانه در جوامع، به شناسایی این کنش‌ها پرداخته و به مجموعه عواملی پی برده‌اند که آن را سرمایه اجتماعی نامیده‌اند. مفهوم سرمایه اجتماعی دربرگیرنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می‌دهند و آنها را در جهت دستیابی به هدف ارزشمند هدایت می‌کند. از این‌رو، شناخت عوامل مؤثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی می‌تواند در گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی کمک کند و موجب افزایش عملکرد اجتماعی در جوامع شود. مفهوم سرمایه اجتماعی که صبغه جامعه‌شناسانه دارد، بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود. سرمایه اجتماعی واژه‌ای است که در سال‌های اخیر وارد حوزه علوم اجتماعی شده و از این منظر، در بچه تازه‌ای را در تحلیل و علت‌یابی مسائل اجتماعی و اقتصادی گشوده است (عبداللهی‌ارپناهی، ۱۳۹۶: ۱۹). به طور کلی، میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه‌ای نشان‌دهنده میزان اعتماد افراد به یکدیگر است. همچنین وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود؛ طوری که در مواقع بحرانی می‌توان برای حل مشکلات، از سرمایه اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرایندهای موجود سود برد.

توسعه اجتماعی

در اوایل دهه ۱۹۹۰ سازمان ملل، گزارش توسعه‌ای را با رویکرد توسعه انسانی منتشر کرد و از اواسط این دهه، به‌ویژه در پی صدور بیانیه آمستردام، مؤلفه‌های مربوط به توسعه اجتماعی، نظیر

سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی و... نیز به نوشته‌های توسعه راه یافت. به تعبیر دیگر، در سلسله مراتب اهداف توسعه، تغییراتی اساسی حاصل شد و با تأکید سازمان ملل، بهزیستی اجتماعی و کیفیت زندگی در رأس اهداف توسعه قرار گرفت. استیگلیتز^۱ در بحث از پارادایم جدید توسعه، آن را معطوف به تحول و توسعه اجتماعی می‌داند که ضمن گسترش افق‌های انتخاب و آزادی افراد، کاهش فقر و تخریب زیست محیطی، افزایش بهداشت و طول عمر و به‌طور کلی، ارتقای کیفیت زندگی را به همراه دارد. او بر این باور است که باید توسعه را مقوله‌ای اجتماعی و مشارکتی در نظر گرفت که گفت‌وگوی آزاد و مشارکت مدنی فعال و انعکاس صدای افراد در تصمیماتی که بر زندگی آنها تأثیرگذار است را نیز شامل می‌شود. بنابراین، توسعه اجتماعی در معنای جدید آن عبارت است از: افزایش ظرفیت نظام اجتماعی، ساختار اجتماعی، نهادها، خدمات و نیز سیاست بهره‌گیری از منابع برای زندگی مطلوب‌تر. تحقق چنین توسعه‌ای در گرو توانمندسازی، بسط حضور و مشارکت مردان و زنان در عرصه عمومی و شبکه چندگانه روابط اجتماعی است که امکان ایجاد دگرگونی‌های بنیادی در ساختارها و روابط اجتماعی را با انگیزه تحقق اهداف (شامل ادغام اجتماعی، انسجام اجتماعی و پاسخگو کردن کارگزاران) فراهم می‌سازد (غفاری، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۹). این نوع توسعه با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی، بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، آموزش و چگونگی گذراندن اوقات فراغت است (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۹-۲۰).

در کشور ما اولین برنامه برای توسعه، تدوین برنامه در سال ۱۳۲۴ بود که در قالب برنامه‌های عمرانی از سال ۱۳۲۷ آغاز شد و طی دو برنامه هفت ساله و سه برنامه پنج ساله تا سال ۱۳۵۶ ادامه یافت. محور توسعه در دو برنامه اول، کشاورزی و در سه برنامه بعدی، بخش صنعت بود. سهم امور اجتماعی و مواردی مانند: بهداشت عمومی، تأمین آب و برق و اسکان عشایر به علت تغییرات در منابع مالی حاصل از درآمدهای نفتی در حد نازلی قرار داشت (مؤمنی و میلانی، ۱۳۹۰: ۵۱). در سه برنامه چهارم، پنجم و ششم با تشکیل سپاه دانش و بهداشت ادامه خدمات اجتماعی بیشتر در مناطق محروم در نظر گرفته شد و عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد منوط به افزایش

1. Stieglitz

رشد اقتصادی شد و فصلی مجزا برای رفاه اجتماعی در برنامه چهارم اختصاص یافت. در برنامه پنجم، اهداف اجتماعی نظیر: ارتقای سطح بهداشت و آموزش، توزیع عادلانه تر درآمد، توجه به افزایش سطح زندگی گروه‌های کم‌درآمد و حفظ محیط زیست در اولویت قرار گرفت (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۳: ۴). بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، اولین برنامه توسعه در قالب برنامه پنج ساله، بعد از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ تدوین شد. بعد از جنگ عراق علیه ایران تاکنون، پنج برنامه توسعه در قالب برنامه‌های پنج ساله، تصویب و اجرا شده است (قوتی سفیدسنگی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۵).

بنابراین، توسعه اجتماعی در جست‌وجوی بهبود رفاه اجتماعی، به معنای تقویت جامعه مدنی (مثل تعامل گروه‌های اجتماعی و...)، رعایت حقوق اجتماعی، و توانایی جامعه برای حل اختلاف و تضادها تعریف شده است. در تعریفی جامع‌تر، توسعه اجتماعی مکمل رفاه اجتماعی یا حتی رویکردی جایگزین آن است. نیازهای اولیه در توسعه اجتماعی محصول همان رویکرد توسعه انسانی و رفاه اجتماعی است که وارد بحث توسعه اجتماعی نیز شده است. رویکرد توسعه اجتماعی علاوه بر توجه به نیازهای اولیه، به برگ خریدهای مهم اجتماعی دیگر، نظیر سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی و... نیز توجه می‌کند (لطیفی و قائم‌پور، ۱۳۹۵).

سرمایه اجتماعی، توسعه و رفاه: چهار نظریه، شامل دیدگاه اجتماع‌گرا، دیدگاه شبکه‌ای، دیدگاه نهادی و دیدگاه همیاری درباره سرمایه اجتماعی، توسعه و رفاه اجتماعی در حوزه علوم اجتماعی وجود دارد.

الف) دیدگاه اجتماع‌گرا: در این دیدگاه، سرمایه اجتماعی همان سازمان‌های محلی، مانند باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی است؛ به طوری که تعدد، فشردگی و پیوند هر یک از این گروه‌ها در یک جامعه نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی است. هر چه تعداد این گروه‌ها در یک جامعه بیشتر باشد و همچنین پیوند و همبستگی هر کدام از این گروه‌ها در آن جامعه بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی بیشتر تقویت می‌شود. به نظر اجتماع‌گرایان، سرمایه اجتماعی ذاتاً خیر و مثبت است و هر چه سرمایه اجتماعی افزایش یابد، بر رفاه اجتماع اثر مثبت خواهد داشت. در این دیدگاه، پیوندهای فقرا در قالب انجمن‌ها و گروه‌های مدنی کمک خواهد کرد که خودشان در دفع مخاطرات و

آسیب‌پذیری گروه‌های فقیر همت گمارند، که به کاهش فقر در میان آنان منجر خواهد شد. در این دیدگاه تنها چیزی که برای فقرا باقی مانده، پیوندهای اجتماعی با یکدیگر است (ولکاک و نارایان، ۱۳۸۴: ۵۳۵). این دیدگاه سرمایه اجتماعی را به عنوان متغیر مستقل و پیامدهای مثبت آن، مانند رفاه اجتماعی را به عنوان متغیر وابسته می‌نگرد.

ب) دیدگاه شبکه‌ای: از منظر شبکه‌ای، سرمایه اجتماعی همچنان به مثابه متغیری مستقل نگریسته می‌شود، اما پیامدهای آن (متغیر وابسته) به صورت مثبت و منفی لحاظ می‌شود. پیوندهای قوی و نیرومند «درون‌اجتماعی» یا «درون‌گروهی» به گروه، حس هویت مشترک می‌دهد که همان پیوندهای قوی افقی درون‌گروهی است که از آن به عنوان «سرمایه اجتماعی درون‌گروهی» یاد می‌شود. اما سرمایه اجتماعی «درون‌گروهی» در یک جامعه کافی نیست و لازم است «سرمایه اجتماعی بین‌گروهی» نیز در جامعه (بین گروه‌های اجتماعی) شکل بگیرد و تقویت شود؛ به طوری که پیوندها و همبستگی قوی و متنوع بین گروه‌های اجتماعی برقرار شود تا از پیامدهای منفی پیوند درون‌گروهی - که ممکن است به فرقه‌گرایی و منافع فرقه‌ای منجر شود - جلوگیری به عمل آید. فرقه‌گرایی در جامعه که نشان از تضعیف شبکه‌های پیوندهای اجتماعی بین‌گروهی (بین گروه‌ها) دارد، انواع شکاف‌های گوناگون اجتماعی مبتنی بر دین، نژاد، قومیت، جنسیت، طبقه و موقعیت‌های نابرابر اقتصادی و اجتماعی را تقویت خواهد کرد. بنابراین، در نظریه شبکه‌ای هم بر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و مهم‌تر از آن، بر سرمایه اجتماعی بین‌گروهی (پیوند شبکه‌ای) در یک جامعه تأکید می‌شود (پیوند درون‌گروهی همگام با پیوند بین‌گروهی اجتماعی). نظرگاه «شبکه‌ای سرمایه اجتماعی» به سیاست‌گزاران و دولت‌ها این پیام و رهنمود را می‌دهد که به سرمایه اجتماعی از ابعاد گوناگون بنگرند و دچار سرگردانی در برنامه‌ریزی اجتماعی و ضد و نقیض‌گویی نشوند (ولکاک و نارایان ۱۳۸۴: ۵۳۸).

ج) دیدگاه نهادی: نگرش نهادی به سرمایه اجتماعی (شبکه‌ها و پیوندهای اجتماعی) به مثابه متغیری وابسته می‌نگرد. بدین معنی که تقویت (سرزندگی) یا تضعیف (پژمردگی)

شبکه‌های اجتماعی را محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی تلقی می‌کند؛ به طوری که ظرفیت و توان گروه‌های اجتماعی برای عمل کردن به منظور نفع جمعی، به کیفیت نهادهای رسمی و دولتی و نیز حکمرانی وابسته است. در این دیدگاه، نوع عملکرد و نگاه دولت به جامعه بر کم و کیف سرمایه اجتماعی به مثابه شبکه‌های اجتماعی اثر گذاشته، این به نوبه خود بر توسعه اقتصادی و در نهایت، رفاه اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

د) دیدگاه همیاری: در این دیدگاه، نقاط قوت دیدگاه شبکه‌ای و دیدگاه نهادی در یکدیگر ادغام می‌شود؛ به طوری که هم بر تعامل و همیاری شبکه‌های اجتماعی بین گروهی (گروه‌های اجتماعی) تأکید می‌شود و هم بر همیاری و تعامل بین دولت (دیوان‌سالاری دولتی) با جامعه مدنی انگشت می‌گذارد. وجود چنین مناسبات دو طرفه‌ای به توسعه و رفاه جامعه کمک می‌کند. از منظر دیدگاه همیاری، دولت و جوامع هیچ کدام به طور ذاتی خوب یا بد نیستند. تأثیری که نوع دولت‌ها، نوع شرکت‌ها و نوع گروه‌های مدنی در تحقق اهداف جمعی می‌گذارند، متغیر و متفاوت است. دولت‌ها، بنگاه‌ها و اجتماعات هر یک به تنهایی فاقد منابع لازم برای توسعه و پیشرفت پایدار هستند. در واقع، هر کدام بخشی از منابع را در اختیار دارند و ضروری است از یک سو، هم درون دولت، هم درون بنگاه‌ها و هم درون اجتماعات و شبکه‌ها عوامل مکمل و موجد مشارکت شکل گیرند و تقویت شوند و از سوی دیگر، لازم است بین دولت، بنگاه‌ها و اجتماعات و شبکه‌ها، همیاری و تعامل به صورت تکمیلی تقویت شود و به منظور توسعه پایدار، همیاری و تعامل افقی و عمودی در درون و برون دولت‌ها، بنگاه‌ها و اجتماعات و شبکه‌های مدنی و نیز تقویت متقابل و تکمیلی یکدیگر مدنظر قرار گیرد. در این میان، نقش دولت در امر تسهیل (نتایج مثبت توسعه‌ای) یا مانع امر توسعه (نتایج منفی توسعه‌ای) از نقش بنگاه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مهم تر و مسئله دارتر است؛ زیرا دولت نه تنها تأمین کننده نهایی کالاهای عمومی (پول رایج با ثبات، بهداشت عمومی و آموزش همگانی) و همچنین داور و تضمین کننده حاکمیت قانون (حق مالکیت، دادرسی، آزادی بیان و ایجاد تشکل‌ها) است؛ بلکه عاملی تعیین کننده در تشکیل اتحادهای پایدار در

قالب دولت و ملت نیز به شمار می‌رود؛ به طوری که می‌تواند طبقات، قومیت‌ها، نژادها و ادیان مختلف را در یکدیگر در قالب دولت ملی ادغام کند. نتیجه اینکه وجود درجه بالایی از سرمایه اجتماعی بین گروهی، با اینکه شرط لازم برای توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی است، اما کافی نیست و علاوه بر این، وجود درجه بالایی از کارآمدی دولت و تعامل آن با شبکه‌های جامعه مدنی ضروری است. از یک سو، اگر دولت ناکارآمد باشد، وجود درجه بالایی از سرمایه اجتماعی (شبکه‌های پیوند گروه‌ها در جامعه) نمی‌تواند موجبات توسعه اقتصادی و رفاه اقتصادی - اجتماعی را فراهم آورد، بلکه حتی تبعات منفی در جامعه ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، چنانچه دولت کارآمد باشد، اما سرمایه اجتماعی در حد پایینی قرار داشته باشد، باز رفاه اجتماعی با مانع برخورد کرده، تبعات منفی دیگری در بستر جامعه ایجاد می‌کند. بنابراین، برای توسعه اجتماعی، هم درجه بالایی از سرمایه اجتماعی بین گروهی (شبکه‌های قوی پیوند اجتماعی گروه‌ها) ضروری است و هم وجود دولتی کارآمد که با جامعه مدنی (شبکه گروه‌های اجتماعی) در تعامل مثبت باشد. در دیدگاه همیاری، سرمایه اجتماعی به مثابه متغیری حد واسط و ترکیبی مدنظر است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی

سرمایه اجتماعی

در این پژوهش، سرمایه اجتماعی در سه سطح خرد، میانی و کلان مورد مطالعه قرار گرفته است:

الف) سطح خرد (روابط بین فردی): در این سطح، سرمایه اجتماعی بر روابط فردی و شبکه‌های ارتباطی بین افراد، هنجارها و ارزش‌های غیررسمی حاکم بر آنها تأکید دارد. بر این اساس، سرمایه اجتماعی موضوعاتی اعم از شدت و کیفیت روابط بین افراد و گروه‌ها، احساس تعهد و اعتماد دو جانبه به هنجارها و ارزش‌های مشترک را شامل می‌شود و به عنوان حس تعلق و همبستگی، پایه به هم پیوستگی اجتماعی است. برای سنجش سرمایه اجتماعی استان هرمزگان در سطح خرد، این متغیر در قالب هشت بعد و با ۸۱ متغیر مورد سنجش قرار گرفته است که

عبارت‌اند از:

اعتماد عمومی، ارزش‌ها و ویژگی‌های اخلاقی، عام‌گرایی اجتماعی (شعاع اعتماد و تعاملات نزدیک و دور؛ از اعضای خانواده تا غریبه‌ها)، مشارکت اجتماعی، بده‌بستان اجتماعی، تعلق و عرق ملی، رضایت از زندگی و احساس امنیت.

ب) سطح میانی (انجمن‌ها و سازمان‌های رسمی و غیررسمی): در این سطح، نظریه‌پردازانی همچون جیمز کلمن قرار دارند. کلمن سرمایه اجتماعی را نوعی موجودیت اجتماعی با دو عنصر در نظر می‌گیرد: عنصر اول، ساخت اجتماعی و عنصر دوم، کنش‌های حقیقی یا حقوقی کنشگران اجتماعی. این کنش‌ها در درون ساخت اجتماعی صورت می‌گیرد. این مفهوم ارتباطات افقی و عمودی را شامل می‌شود و سازمان‌ها و روابط بینابینی (باشگاه‌ها، انجمن‌ها، شرکت‌ها و احزاب سیاسی) را دربر می‌گیرد. جیمز کلمن اعتماد، اختیار و تعهد را لازمه سرمایه اجتماعی یک گروه و بین گروه‌ها در نظر می‌گیرد (کلمن، ۱۳۸۱: ۴۶۷-۴۶۶). سرمایه اجتماعی در سطح میانی در قالب هشت مؤلفه و با ۱۲۷ متغیر، مورد سنجش قرار گرفته است. هشت مؤلفه مورد استفاده در این سطح از سنجش عبارت‌اند از:

اعتماد سازمانی، کیفیت خدمات سازمانی، عملکرد و پاسخگویی سازمان‌ها به نیازها، آمادگی مشارکت و کمک به سازمان‌ها در صورت نیاز، اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد به گروه‌های شغلی و حرفه‌ای)، دگرخواهی، پرهیزکاری و وظیفه‌شناسی گروه‌های شغلی و حرفه‌ای، عام‌گرایی گروه‌های شغلی و حرفه‌ای و ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی مسئولان.

ج) سطح کلان (نهادهای اجتماعی): در این سطح، روابط قراردادی و روابط ساختاری نهادهای کلان اجتماعی (دولت، حکومت سیاسی و نظام‌های حقوقی و قضایی)، موضوع سرمایه اجتماعی است. روابط و ساختارهای رسمی، مانند قوانین و مقررات و چارچوب‌های حقوقی و حکومت سیاسی، سطح مشارکت، سطح تمرکز و فرایند شکل‌گیری سیاسی، سطح کلان سرمایه اجتماعی را شامل می‌شوند. از این منظر سرمایه اجتماعی، مجموعه نهادهایی که جامعه را پی‌بندی می‌کنند، نیست؛ بلکه عامل نگه‌داشتن آنها در کنار هم است. «نورث» از جمله اندیشمندان سطح کلان درباره سرمایه اجتماعی است (بهزاد، ۱۳۸۱: ۴۵). سرمایه اجتماعی در سطح کلان در قالب چهار بعد که شامل ۴۲ متغیر (گویه) می‌شود، مورد سنجش قرار گرفته است. این چهار بعد

عبارت‌اند از:

پنداشت نسبت به موفقیت نظام در رفع و حل مشکلات، پنداشت نسبت به موفقیت نهادی در انجام وظایف، پنداشت نسبت به نکویی جامعه (مطلوب بودن جامعه) و ارزیابی نسبت به آینده.

فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی سطح خرد و توسعه اجتماعی استان هرزگان رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی سطح میانی بر توسعه اجتماعی استان تأثیر دارد.

- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی سطح کلان و توسعه اجتماعی استان رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین متغیرهای جمعیت‌شناختی (میزان جمعیت، تراکم جمعیت، بعد خانوار، درصد شهرنشینی و میزان باسوادی) و توسعه اجتماعی استان رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر از لحاظ هدف، در زمره تحقیقات کاربردی و از حیث نوع و متد، جزو مطالعات اسنادی است. روش مورد استفاده در این تحقیق، تحلیل ثانویه است. در تحلیل ثانویه محقق با استفاده از یافته‌های مطالعات اولیه متعدد و ترکیب یافته‌های این مطالعات، دستیابی به هدف (اهداف) مشخص و معینی را از طریق روش‌های مختلف آماری یا غیر آماری دنبال می‌کند. نحوه اجرای تحقیق بدین صورت است که محقق داده‌های مربوط به توسعه اجتماعی را بر اساس داده‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با یکدیگر ادغام می‌کند و به عنوان شاخص‌های توسعه‌یافتگی اجتماعی در نظر می‌گیرد. سپس میانگین‌های سه سطح خرد، میانی و کلان سرمایه اجتماعی و زیر شاخص‌های هر یک از سه سطح را در ارتباط با شاخص‌های توسعه اجتماعی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. قابل ذکر است که برای سنجش شاخص‌های توسعه اجتماعی از بین شاخص‌های گوناگون، فقط شاخص‌هایی که داده‌های آن قابلیت دسترسی دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

استان هرمزگان طبق تقسیمات ارضی و کشوری، به ۱۳ شهرستان به نام‌های بندرعباس، میناب، بندر لنگه، بستک، رودان، جاسک، قشم، حاجی‌آباد، پارسیان، ابوموسی، بندر خمیر، بشاگرد و سیریک؛ ۳۸ شهر؛ ۳۸ بخش و ۲۲۶۵ آبادی دارای سکنه تقسیم شده است (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین، جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل ۱۳ شهرستان استان هرمزگان است. در این پژوهش به صورت تمام‌شماری و با استفاده از سالنامه‌های آماری (داده‌های آمایش سرزمین)، تمام ساکنان ۱۳ شهرستان استان هرمزگان به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند؛ لذا واحد تحلیل، شامل ۱۳ شهرستان استان هرمزگان است.

روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و با تکیه بر مستندات مرکز آمار ایران و سالنامه‌های آماری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان هرمزگان است. برای بررسی داده‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی شهرستان‌های استان از سالنامه‌های آماری این سازمان استفاده شده است. همچنین برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن از داده‌های آمایش سرزمین استان هرمزگان استفاده شده است. پس از جمع‌آوری و گردآوری داده‌های مورد نیاز و استخراج آنها، داده‌ها برای تجزیه و تحلیل به نرم‌افزار Spss انتقال داده شد و برای بررسی رابطه بین متغیرها از آزمون‌های همبستگی اسپیرمن و پیرسون استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش و تحلیل

در توسعه اجتماعی، دگرگونی و تغییر جامعه در کلیت آن مورد نظر است. توجه اساسی بیشتر بر تغییر و بهبود نحوه زندگی و ارزیابی جریان‌ها و تحول اجتماعی است، تا تغییر در یک سازمان یا نهاد اجتماعی. راهبردهای توسعه اجتماعی نیز در جهت بهبود کیفیت زندگی انسانی بوده، پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان را مد نظر دارد. از این رو، راهبردهای توسعه اجتماعی، شامل نیازهای رفاهی، فرهنگی، روانی، نیاز در تطبیق‌پذیری و نیاز به رشد و ترقی است که در مجموع، از عمده‌ترین نیازهای انسان در جامعه جدید به شمار می‌رود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۳۵). برای سنجش توسعه اجتماعی در استان هرمزگان، از شاخص‌هایی نظیر: سرانه فضای آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و سرانه فضای ورزشی استفاده شده است. هر چند شاخص‌های دیگری نیز برای سنجش توسعه اجتماعی وجود دارد، اما به دلیل محدودیت‌ها، در این پژوهش از چهار شاخص

فوق استفاده شده است.

توسعه اجتماعی شهرستان‌های استان هرمزگان

برای سنجش توسعه اجتماعی از آمارهای سرانه فضای بهداشتی، ورزشی، آموزشی و فرهنگی استفاده شده است. جدول زیر میزان هر کدام را در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های توسعه اجتماعی

شهرستان	سرانه فضای بهداشتی	سرانه فضای ورزشی	سرانه فضای آموزشی	سرانه فضای فرهنگی	توسعه اجتماعی ^۱
بستک	۴/۶	۴۵۲/۵	۱۸/۰	۹۱/۰	۱/۱
بشاگرد	۴/۷	۲۳۱/۳	۱۰/۰	۱۶/۱	۰/۷
بندرعباس	۵/۴	۱۴۰/۹	۶/۳	۲۷/۵	-۱/۱
بندر لنگه	۴/۱	۴۲۱/۸	۷/۶	۲۵/۶	۰/۵
پارسیان	۷/۲	۵۷۳/۳	۷/۴	۴۰/۱	۱/۵
جاسک	۲/۸	۲۴۱/۵	۷/۳	۲۵/۸	-۰/۶
حاجی‌آباد	۳/۳	۴۳۳/۴	۵/۱	۵۶/۹	۰/۷
خمیر	۴/۰	۵۵۸/۳	۶/۲	۱۹/۴	۱/۲
رودان	۳/۲	۳۴۸/۶	۶/۱	۲۲/۶	۰/۰
سیریک	۱/۴	۱۲۶/۳	۷/۷	۱۰/۱	-۱/۴
قشم	۴/۲	۳۲۷/۷	۴/۲	۳۹/۷	۰/۰

۱. نمرات ارائه شده استاندارد شده‌اند. بازه نمرات بین ۳- تا ۳+ است.

میناب	۳/۱	۱۴۰/۹	۸/۵	۱۶/۲	-۱/۲
-------	-----	-------	-----	------	------

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، بیشترین سرانه فضای ورزشی مربوط به پارسیان و کمترین میزان آن مربوط به سیریک است. بیشترین سرانه فضای فرهنگی مربوط به بستک و کمترین آن در سیریک مشاهده می‌شود. همچنین بیشترین سرانه فضای آموزشی مربوط به بستک و کمترین آن در قشم مشاهده می‌شود. بیشترین سرانه بهداشتی مربوط به پارسیان و کمترین میزان آن مربوط به سیریک است. بیشترین میزان توسعه اجتماعی مربوط به پارسیان و کمترین میزان آن مربوط به سیریک است.

یافته‌های توصیفی

جدول ۲. یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

مقیاس‌ها	میانگین	انحراف معیار	واریانس	حد اقل نمره	حد اکثر نمره	تعداد
توسعه اجتماعی	۳۷۵,۲۵	۱۷۰,۹۵	۲۹۲۲۵,۶۴	۱۴۳,۷۶	۶۲۳,۲۱	۱۲
سرمایه اجتماعی کلان	۲,۵۵	۰,۲۱	۰,۰۴۲	۲,۱	۲,۹	۱۳
سرمایه اجتماعی میانی	۲,۸۲	۰,۱۷	۰,۰۳۱	۲,۵	۳,۱	۱۳
سرمایه اجتماعی خرد	۲,۸۴	۰,۲۰	۰,۰۴۰	۲,۶	۳,۳	۱۳
سرمایه اجتماعی کل	۲,۷۴	۰,۱۳	۰,۰۱۵	۲,۵	۲,۹	۱۳

با توجه به اطلاعات به دست آمده در جدول فوق و همچنین مقدار میانگین به دست آمده می‌توان بدین نتیجه رسید که توسعه اجتماعی از سطح میانگین پایین‌تر است؛ بدین معنا که توسعه اجتماعی در بین شهرستان‌های مورد مطالعه در سطح پایین گزارش شده است. همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، سرمایه اجتماعی کلان و سرمایه اجتماعی میانی در حد متوسط است.

بنابراین، می توان استدلال کرد که در بین جامعه آماری مورد مطالعه سرمایه اجتماعی خرد در سطح متوسط رو به پایین قرار دارد. در مجموع، با توجه به میانگین داده‌ها می توان نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی کل در بین ۱۳ شهرستان استان هرمزگان در سطحی متوسط قرار دارد.

متغیرهای جمعیتی

بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیتی و توسعه اجتماعی نشان می‌دهد که رابطه خطی قوی و حتی متوسطی بین این متغیرها برقرار نیست. همچنین نتایج نشان داد که بین جمعیت (طبق سرشماری سال ۱۳۹۵) و تراکم جمعیت با توسعه اجتماعی رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ اما رابطه بین بعد خانوار، درصد شهرنشینی و میزان باسوادی، با توسعه اجتماعی مثبت و مستقیم است. علاوه بر آن، بین بعد خانوار و توسعه اجتماعی بیشترین مقدار رابطه مثبت، و بین توسعه اجتماعی و تراکم جمعیت بیشترین مقدار رابطه منفی وجود دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون اسپیرمن بر حسب متغیرهای جمعیتی

میزان باسوادی	درصد شهرنشینی	بعد خانوار	تراکم جمعیت	جمعیت	همبستگی اسپیرمن	
توسعه اجتماعی	۰,۲۹۴	۰,۵۲۴	-۰,۱۸۲	-۰,۱۶۸	ضریب همبستگی	توسعه اجتماعی
	۰,۳۵۴	۰,۱۸۰	۰,۵۷۲	۰,۶۰۲	سطح معناداری	
	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	تعداد	

بررسی رابطه توسعه اجتماعی با ابعاد سرمایه اجتماعی

برای سنجش روابط بین توسعه اجتماعی با ابعاد سرمایه اجتماعی از آزمون پیرسون استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون نشان داد که رابطه‌ای قوی و معکوس بین توسعه اجتماعی با تمام ابعاد سرمایه اجتماعی وجود دارد. بنابراین، فرضیه H_1 مبتنی بر وجود رابطه بین دو متغیر فوق،

رد می شود.

جدول ۴. نتایج آزمون پیرسون بین توسعه اجتماعی با ابعاد سرمایه اجتماعی

توسعه اجتماعی	همبستگی پیرسون	
-۰,۰۲۸	ضریب همبستگی	سرمایه اجتماعی خرد
	سطح معناداری	
	تعداد	
-۰,۳۱۳	ضریب همبستگی	سرمایه اجتماعی میانی
	سطح معناداری	
	تعداد	
-۰,۳۱۷	ضریب همبستگی	سرمایه اجتماعی کلان
	سطح معناداری	
	تعداد	
-۰,۳۵۰	ضریب همبستگی	سرمایه کل
	سطح معناداری	
	تعداد	

با توجه به شاخص های توسعه اجتماعی ذکر شده در اسناد سازمان مدیریت و برنامه ریزی، در این پروژه توسعه اجتماعی براساس آیت های نظیر سرانه فضای بهداشتی، سرانه ورزشی، فضای فرهنگی و آموزشی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که سرانه فضای بهداشتی در پارسیان بیش از سایر شهرستان ها بوده است. به نظر می آید وجود خیرین و ارتباط با کشورهای عربی و همچنین وجود منابع انرژی و معدنی مانند صنایع انرژی در پارسیان و نیز نزدیکی به مناطق پارس جنوبی سبب شده است که پارسیان در سرانه بهداشتی و در مقایسه با ۱۲ شهرستان دیگر،

سطح بالاتری داشته باشد؛ به طوری که شاخص‌ها نشان می‌دهد که در این منطقه مراکز بهداشتی و درمانی بر حسب تراکم جمعیت از وضعیت نسبتاً مناسبی برخوردار هستند. نتایج همچنین نشان می‌دهد که شهرستان سیریک از منظر سرانه بهداشتی به نسبت سایر شهرستان‌های استان در سطح پایینی قرار دارد.

از دیگر شاخص‌های توسعه اجتماعی در این پژوهش، سرانه ورزشی به صورت فضاهای روپسته و باز بوده است. آمارها نشان می‌دهد که سرانه ورزشی پارسیان در مقایسه با ۱۲ شهرستان دیگر، در سطح بالاتری قرار دارد؛ بدین معنا که مکان‌های ورزشی، اعم از سالن‌های روپسته و فضاهای روباز به نسبت تراکم جمعیت در پارسیان بیش از سایر شهرستان‌هاست. شاید بتوان وجود خیرین و روحیه مشارکت و همدلی در بین شهروندان را عامل مؤثری در نظر گرفت که باعث توسعه فضاهای فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و ورزشی نسبتاً بیشتری در این مناطق شده و همین امر سبب توسعه اجتماعی مناطق غرب استان هرمزگان شده است. البته در مورد سرانه فضای ورزشی باید اشاره کرد که چندی است توجه دولت به گسترش فضاهای ورزشی در مناطق محروم و استان‌های جنوبی سبب اختصاص بودجه بیشتری برای این مناطق شده است. این اقدام دولت برای ارتقا و کیفیت فضای ورزشی در رونق سرانه ورزشی شهر پارسیان بی‌تأثیر نبوده است. همچنین وجود بزرگ‌ترین چمن مصنوعی در پارسیان، افتتاح ورزشگاه بزرگ پارسیان و تلاش برای افزایش این فضاها، سبب شده است که پارسیان در رتبه نخست سرانه ورزشی باشد. همچنین نتایج نشان داده است که شهرستان سیریک در پایین‌ترین رتبه از نظر سرانه ورزشی قرار دارد.

از دیگر شاخص‌های توسعه اجتماعی در پژوهش حاضر، سرانه فرهنگی و آموزشی است. نتایج نشان می‌دهد که بیشترین سرانه فرهنگی مربوط به شهرستان بستک است. شاخص‌های توسعه اجتماعی بر اساس تراکم جمعیت هر شهرستان محاسبه می‌شود. شهرستان بستک نسبت به تراکم جمعیت، سرانه فرهنگی بالاتری در مقایسه با ۱۲ شهرستان دیگر دارد. بستک به دلیل مجاورت با بندر لنگه از جنوب و بندر عباس از غرب به دریا دسترسی دارد و با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در ارتباط است. درحقیقت، به دلیل اینکه بیشتر مردم منطقه به امر تجارت در این کشورها می‌پردازند، از لحاظ مالی منطقه خود را مورد حمایت قرار می‌دهند. اغلب ساکنان بستک اهل تسنن و سنی‌مذهب هستند. به نظر می‌رسد با توجه به اعتقادات مذهبی و باورهای دینی اهل سنت،

همکاری و مشارکت در این مناطق نسبتاً بالا باشد. علاوه بر آن، معماری و فرهنگ بستک قدمتی دیرینه دارد؛ به طوری که فرهنگ و معماری بستک با توجه به مهاجرت‌های ساکنان این منطقه به امارات متحده عربی، افزون بر شکل دادن محله‌ای در امارات با عنوان «بستکیه»، به عنوان الگوی فرهنگی به تدریج به یکی از نمادهای هویت بومی در امارات تبدیل شده است. این امر نشان از رفت و آمد و ارتباطات زیاد بین مردم بستک و امارات است.

با توجه به موارد گفته شده، می‌توان نتیجه گرفت که در بین ۱۳ شهرستان مورد مطالعه، توسعه اجتماعی در شهر پارسیان در حد مطلوبی قرار داشته است. شاخص‌ها مبین این نکته بود که سرانه ورزشی و بهداشتی در پارسیان رتبه بالایی دارد. همچنین یافته‌های آماری نشان می‌دهد که شهرستان پارسیان از نظر سرانه آموزشی و فرهنگی، رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. با توجه به موارد فوق، می‌توان گفت وجود خیرین در این مناطق و ارتباط با کشورهای عربی و همچنین تجارت دریایی سبب می‌شود غرب استان هرمزگان از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار باشد. آمارها نشان می‌دهند که توسعه اجتماعی در سیریک به نسبت سایر شهرستان‌ها، در سطح پایین‌تری قرار دارد. نتایج بیانگر این بود که سطح سرانه بهداشتی، ورزشی و فرهنگی نیز در سیریک پایین است. از آنجایی که توسعه اجتماعی با توسعه اقتصادی همسوست، لازم است که نتایج حاصل از توسعه اقتصادی هرمزگان دوباره شرح داده شود. نتایج نشان می‌دهد که میزان بیکاری در سیریک بالاست و همچنین در شاخص میزان مشارکت اقتصادی و بار تکفل، سیریک پس از بشاگرد در رتبه دوم قرار دارد. این موارد نشان می‌دهد با وجود منابع دریایی و دسترسی به آب‌های آزاد، این منطقه به دلیل ضعف مدیریتی، از حیث اقتصادی وضعیت مطلوبی ندارد. همین امر سبب شده است که سیریک همگام با سایر شهرستان‌ها نتواند در حوزه اجتماعی توسعه یابد. نتایج حاصل از آزمون‌های استنباطی همچنین نشان داد که رابطه معکوس بین سرمایه اجتماعی خرد و توسعه اجتماعی خرد در حد کم و خیلی ضعیف وجود دارد؛ به طوری که می‌توان گفت عملاً سرمایه اجتماعی خرد نقشی در توسعه اجتماعی ندارد.

هدف دیگر این پژوهش، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی میانی و توسعه اجتماعی استان بوده است. بر این اساس، نتایج پژوهش نشان داد که بین این دو رابطه معکوس با ضریب همبستگی نسبتاً متوسط وجود دارد؛ به طوری که با افزایش سرمایه اجتماعی در بعد میانی، توسعه اجتماعی

کاهش می‌یابد.

علاوه بر این، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی سطح کلان و توسعه اجتماعی در بین شهرستان‌های استان هرمزگان نیز از دیگر اهداف پژوهش حاضر بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که رابطه‌ای معکوس بین سرمایه اجتماعی در سطح کلان و توسعه اجتماعی در حد نسبتاً متوسط وجود دارد؛ بدین معنا که افزایش سرمایه کلان اجتماعی، سبب کاهش روند توسعه اجتماعی می‌شود.

با توجه به اینکه بین سرمایه اجتماعی در سه بعد کلان، میانی و خرد با توسعه اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد، به‌طور کلی می‌توان به تحلیل در این‌باره پرداخت. روابط معکوس بین سرمایه اجتماعی با توسعه اجتماعی را می‌توان براساس دیدگاه شبکه‌ای و نهادی تحلیل کرد. شبکه اجتماعی یا دیدگاه شبکه‌ای از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است. دیدگاه شبکه‌ای به پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی اشاره دارد. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی به معنای ارتباط با خانواده، دوستان و به‌طور کلی ارتباط با نزدیکان است. این ارتباطات تنگاتنگ سبب بروز رفتارهایی همچون فردگرایی، تک‌روی و خودخواهی می‌شود و در نهایت، توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شعار اصلی سرمایه اجتماعی این است که «روابط مهم هستند». مردم از طریق شبکه‌های اجتماعی ارتباط برقرار می‌کنند. به‌طور کلی، اگر شخصی روابط گسترده داشته باشد، از نظر سرمایه اجتماعی غنی است (لاوال و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۲۷). شبکه و روابط بخشی از زندگی اجتماعی هستند که به ذی‌نفعان اجازه می‌دهند برای دستیابی و تحقق اهداف مشترک مؤثر باشند. براساس نظریه شبکه اجتماعی، اغلب محققان روابط و شبکه‌های گسترده را پیش‌شرط مهم برای ایجاد سرمایه اجتماعی می‌دانند (استوکمن، ۲۰۰۴). بنابراین، فرایند ایجاد روابط اجتماعی یکی از ویژگی‌های مهم مفهوم سرمایه اجتماعی است. افراد با مشارکت در شبکه‌های غیررسمی، سازمان‌های ثبت‌شده، انجمن‌های گوناگون و نیز جنبش‌های اجتماعی متعدد به سرمایه اجتماعی دست می‌یابند (لاوال و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۲۴). عضویت در سازمان‌های مختلف فرصت‌هایی برای افراد فراهم می‌کند تا منافع مشترک را توسعه دهند و هنجارهای مشترک اتخاذ کنند که منجر به سطح بالاتری از اعتماد و درک بین افراد می‌شود. با مشارکت در شبکه‌های متعدد و روابط، افراد شانس خود را برای تحقق حقوق یا منافع خاص، به شیوه‌ای کارآمدتر افزایش می‌دهند. بنابراین،

سرمایه اجتماعی به پیوند درون و بین شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد. شبکه‌های اجتماعی دارای ارزشی هستند که فرصت‌های رشد بهره‌وری را از طریق سرمایه انسانی (در سطوح فردی و جمعی) و دستیابی به تحقق افراد گسترش می‌دهد (سیوتانویچ و همکاران، ۲۰۱۵: ۷۶).

شبکه‌ها با مجموعه‌ای از روابط ضعیف مشخص می‌شوند که تعامل آن شبکه، از طریق دسترسی به اطلاعات، یادگیری تعاملی و انتشار نوآوری را تقویت می‌کند. حضور در شبکه‌ها احتمال دستیابی به اهداف خاص را افزایش می‌دهد. در این رابطه، شبکه‌های غیررسمی، شامل تماس با خانواده، همسایگان، همکاران و دوستانی هستند که ممکن است متعلق به یک نسل متفاوت یا گروه‌های ملی و مذهبی باشند. شبکه رسمی ارتباطات، شامل حضور و فعالیت در سازمان‌های جامعه مدنی است. به عنوان یک قاعده، حضور هم‌زمان چندین سازمان شبکه ارتباطات را تقویت کرده، سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد (فوتوتا و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۱۱۸). بنابراین، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، بر روابط و پیوندهای اجتماعی ضعیف میان اعضای جامعه و گسترش دایره‌گزینش دوستان و شعاع اعتماد مبتنی است. در دیدگاه شبکه‌ای، این تصور وجود دارد که سرمایه اجتماعی برون‌گروهی می‌تواند طیفی از خدمات گران‌بها را برای اعضای جامعه تأمین کند (امان‌پور و مودت، ۱۳۹۵: ۷۳).

علاوه بر آن، «پاتنام» نیز از دو نوع سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی یاد کرده است؛ که پیوند سست و ضعیف مترادف با روابط برون‌گروهی است و همچنین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی پاتنام همسو با پیوندهای قوی است. لازم به ذکر است که گسترش پیوندهای ضعیف و برون‌گروهی سبب توسعه می‌شود، و هرچه ارتباطات درون‌گروهی و قوی بیشتر باشد، به همان نسبت توسعه و رفاه بیشتر خواهد بود. اما شواهد زیادی در دسترس است که پیوندهای ضعیف در جامعه ایران بسیار کم‌رنگ است؛ به طوری که عبداللهی (۱۳۸۶) بر این باور است که در کشورهای در حال گذار همچون ایران، به دلیل اجرای برنامه‌های نوسازی از بالا و توسط دولت‌ها، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، آنچنان که باید، مجال رشد و گسترش نداشته است. به طور کلی، سرمایه اجتماعی در حد متوسط به پایین قرار دارد و در بعد روابط انجمنی، نظیر همکاری با نهادهای مدنی ضعیف‌تر و در بعد پیوندهای بین فردی مثل رفت و آمد قوی‌تر است. علاوه بر آن، نه تنها براساس مباحث نظری بخش توسعه در این پژوهش، بلکه در سایر تحقیقات پیشین نیز میزان

سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در ایران ضعیف و در سطح پایینی گزارش شده است. قاسمی و همکاران (۱۳۹۰)، رفیعی‌پور (۱۳۷۸)، عبداللهی و موسوی (۱۳۸۶)، رنانی (۱۳۸۵) و دینی‌ترکمانی (۱۳۸۵) در تحقیقات خود دریافتند که سرمایه اجتماعی برون‌گروهی پس از انقلاب سیر نزولی داشته است. همچنین برخی از جامعه‌شناسان معتقدند که در ایران نیازمند سرمایه اجتماعی برون‌گروهی هستیم تا روابط بین افراد تقویت شود. میزان همدلی و همکاری برون‌گروهی مردم که در جنگ عراق و زلزله بم نشان داده شد، بسیار موقتی بود و ما بیشتر شاهد یک نوع همکاری و تعاون خودجوش به صورت هیأت‌های غیررسمی بودیم. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که میزان سرمایه درون‌گروهی در ایران بیشتر از میزان سرمایه برون‌گروهی (اعتماد به دولت و مسئولان) است. از منظر پاتنام، افزایش سرمایه درون‌گروهی سبب فردگرایی و خودخواهی می‌شود. در نتیجه، پیوندهای قوی نمی‌تواند به توسعه اجتماعی کمک کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی بین ۱۳ شهرستان استان هرمزگان است. با استناد به آمارهای به‌دست‌آمده می‌توان گفت سرمایه اجتماعی در حد متوسط گزارش شده است؛ توسعه اجتماعی نیز در حد پایین قرار دارد. این پژوهش به دنبال تعیین درجه توسعه‌یافتگی اجتماعی در بین شهرستان‌ها، با تأکید بر چهار شاخص سرانه فضای بهداشتی، سرانه ورزشی، فضای فرهنگی و آموزشی و همچنین بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه اجتماعی است.

با توجه به موارد گفته‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که در استان هرمزگان با توجه به بافت سنتی و مذهبی که دارد، پیوندهای قوی بین افراد و گروه‌ها حاکم است و روابط درون‌گروهی بسیار قوی وجود دارد. یکی از علل وجود رابطه درون‌گروهی بین ساکنان استان هرمزگان، «مذهب» است. اکثر افراد ساکن در ۱۳ شهرستان مورد مطالعه، اهل تسنن هستند، و از آنجایی که طبق اعتقادات و آیین‌های مذهبی اهل سنت، مشارکت، همدلی و کمک به هم‌نوعان از ارزش‌های برخوردار است، تعاون در این شهرستان‌ها زیاد است که در نتیجه، سبب تقویت ارتباط‌های درون‌گروهی می‌شود. همان‌گونه که در بخش مباحث توصیفی بیان شد، وجود خیرین و

آموزه‌های دینی اهل تسنن که بر یاری رساندن به هم‌نوعان تأکید دارد، و همچنین ارتباطات با کشورهای عربی سبب توسعه اقتصادی و اجتماعی در اکثر شهرستان‌های استان هرمزگان شده است. این توسعه مدیون ارتباطات قوی درون‌گروهی بین افراد است. در واقع، دولت بودجه‌های هنگفتی برای ارتقا و بهبود کیفیت زندگی در استان‌های جنوبی در نظر نمی‌گیرد و معمولاً با عنوان استان‌های محروم از استان‌های جنوبی یاد می‌شود؛ هرچند قطب اقتصادی و منبع درآمد مناسبی برای کشور هستند. همین امر سبب شده است که ارتباطات درون‌گروهی و پیوندهای قوی بین افراد حاکم باشد، و کمتر درگیر ارتباطات برون‌گروهی شوند. از آنجایی که روابط برون‌گروهی سبب توسعه و ترقی می‌شود، در استان هرمزگان به دلیل افزایش مراوده‌های درونی و قوی، سرمایه اجتماعی در تمام ابعاد رابطه عکس با توسعه اقتصادی و اجتماعی داشته است.



فهرست منابع

۱. احمدرش، رشید (۱۳۹۷). دیالکتیک مرز و توسعه: تحلیل جامعه‌شناختی دشواری توسعه پایدار در مناطق مرزی غرب کشور. *مجله توسعه محلی*، سال ۱۲، شماره ۲، صص ۲۰۶-۱۸۳.
۲. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی.
۳. اکبری، غضنفر (۱۳۸۰). *وضعیت فعلی جامعه ایران با نظر به شاخص‌های توسعه اجتماعی*. مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. بهزاد، داود (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی بستری برای ارتقای سلامت. *فصلنامه رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی*، سال ۲، شماره ۶.
۵. پناهی، محمدحسین (۱۳۹۴). توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۲۲، صص ۲۳-۱.
۶. حشمتی، رضا (۱۳۹۶). *بررسی تأثیر گردشگری شهری در توسعه اجتماعی منطقه ۲۲ شهرداری تهران*. پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت.
۷. حیدری پور، اسفندیار؛ خلیل مقدم، بیژن؛ راست قلم، مهدی و احمد رضا مولایی (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی: تحلیل بین کشوری. *فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال ۴، شماره ۲.
۸. خاوری، زهرا (۱۳۹۰). بررسی تأثیر شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر وضعیت اقتصادی محله (مطالعه موردی: محله طلاب). *دوفصلنامه مدیریت شهری*، ویژه‌نامه شماره بهار و تابستان ۹۰، صص ۲۹۸-۲۷۷.
۹. خوش‌فر، غلامرضا و میرزاخانی، شهریانو (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی با سطح توسعه یافتگی. *دوفصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۵-۲.
۱۰. دینی‌ترکمانی، علی (۱۳۸۵). تبیین افول سرمایه اجتماعی. *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳.

۱۱. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). **آنومی و آشفتگی اجتماعی**. تهران: انتشارات سروش.
۱۲. رنانی، محسن (۱۳۸۵). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی. **فصلنامه فرهنگی، اجتماعی اقتصادی دریاچه**، سال سوم، شماره ۱۰.
۱۳. سوری، علی (۱۳۹۳). سرمایه اجتماعی و رشد در ایران. **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، سال ۲۲، شماره ۶۹، صص ۶۴-۴۹.
۱۴. صادق پور، رسول (۱۳۹۲). **بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در پیشرفت، توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد.
۱۵. عبداللهی ارپناهی، عبدالله (۱۳۹۶). **تأثیر دو درصدی درآمدهای نفتی بر توسعه اجتماعی و اقتصادی استان خوزستان**. پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد گرایش برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۶. عبداللهی، محمود و موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار. **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال ۶، شماره ۲۵.
۱۷. عزمی، آئیژ؛ دادورخانی، فضیله؛ ملکان، احمد و احمدی، راشد (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی سرمایه اجتماعی بر ارتقای توسعه روستایی (مورد مطالعه: دهستان گودین، شهرستان کنگاور). **مجله برنامه‌ریزی فضایی**، سال ۳، شماره ۳ (پیاپی ۱۰)، صص ۱۴۴-۱۲۵.
۱۸. عسگری، محمدمهدی و توحیدی‌نیا، ابوالقاسم (۱۳۸۶). تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی. **دوفصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی**، سال ۴، شماره ۸، صص ۲۳۲-۲۰۹.
۱۹. فاضلی، محمد؛ فتاحی، سجاد و زنجان رفیعی، نسترن (۱۳۹۲). توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان. **فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی**، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۸۲-۱۵۹.
۲۰. فوکویاما، ف (۱۳۷۹). **پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن**. ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.

۲۱. فیروزآبادی، سید احمد و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در کلان شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۳.
۲۲. قاسمی، وحید؛ ادیبی سده، مهدی؛ آذربایجانی، کریم و توکلی، خالد (۱۳۹۰). رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۰، شماره ۳۶، صص ۲۶۹-۲۴۰.
۲۳. قوتی سفیدسنگی، علی؛ فراشیانی، حسین و حسن زاده چوکانلو، حسین (۱۳۹۵). بازتاب توسعه اجتماعی در قوانین برنامه‌های پنجگانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۴-۱۳۶۸. فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره دوازدهم، شماره ۱، صص ۱۸۴-۱۵۱.
۲۴. کلمن، جیمز (۱۳۸۱). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۲۵. لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۸). دیدگاه‌هایی از توسعه. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۸۵-۷۴.
۲۶. مطیعی لنگرودی، ح (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ ۴.
۲۷. مؤمنی، فرشاد و امینی میلانی، مینو (۱۳۹۰). توانمندی و توسعه پایدار در برنامه سوم و چهارم توسعه ایران با رویکرد آمار تیا سن. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۱، شماره ۴۲.
۲۸. نصرافهانی، علی؛ انصاری، محمداسماعیل؛ شائمی برزکی، علی و آقاحسینی، حسین (۱۳۹۰). بررسی سرمایه اجتماعی در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان (بارویکرد آموزه‌های مدیریت در آثار سعدی). جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۲، شماره پیاپی ۴۱، صص ۱۳۴-۱۰۷.
۲۹. نوروزی، فضل‌اله؛ عباسی اسفجیر، علی اصغر و بسمل، معصومه (۱۳۹۱). پیوندهای اجتماعی: مطالعه تطبیقی بررسی انواع ساختار شبکه زنان با شوهرانشان در شهر بابل. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال سوم، شماره هشتم، صص ۱۶۴-۱۴۵.
30. Blackman, D., Handerson, S (2005). why learning organizations do not transform, **The Learning Organization**, Vol. 12, No. 1, 42-56.

31. Bozdog, Ilgi (2015). Effects of Social Capital in Social and Economic Development, Middle East Technical University, **Regional Policy and Governance**, 1-16.
32. Cvetanovic, Slobodan; Despotovic, Danijela; Filipovic, Milorad (2015). the concept of social capital in economic theory, **Article in Ekonomika**, 61(1), 73-84.
33. Fotovvat, Shabnam; Safari, karam; Zayyari, Karamollah; boostani, Somayeh (2014). A study on relationship between social capital and sustainable development, **Management Science Letters**, Vol. 4, 2117-2120.
34. Lavallo, Tiziana; Damimola Omoobi, Charles; Robert H. Desmarteau (2015). The dynamics of social capital and health, **Health Care Organization**, 86(3), 223-232.
35. Singh, R. H. Murty, Gupta, S. Dikshit, A. (2009). **An overview of sustainability assessment methodologies Ecological Indicators**, 9(2), p.p. 179-161.
36. Stokman, F. N. (2004). Frame dependent modeling of influence processes. **Rational- Choice-Theorie in den Sozialwissenschaften. Anwendungen und Probleme**, 113-127.

